

مستحکم

نشریه سازمان جوانان فدایی خلق ایران (اکثریت)

سال اول شماره

اول بهمن ۱۳۶۴ بهاء ۱۵ ریال

خجسته باد جشن بزرگ فداییان

هرساله با فرارسیدن بهمن ماه فدائیان هرکجا که هستند، به استقبال روزی میروند که سازمانشان در غیورگیار سلسلهای در جنگلهای سیاهکل با پیگیری خونین تولد یافت. سالها میگذرد و گرد و غبار زمانه بر این بهمن می نشیند. تسلیهای تازه ای از فدائیان به میدان می آیند، اما ۱۹ بهمن همواره فراموش نشدنی باقی میماند. جوانانی که امروز در صف جوانان فدایی در راه حقیق آرمانهای شکوهمند فدائیان خلق به پیگیری مقدس برخاسته اند، با عشق و شوری بی پایان با نژدهمین زادروز سازمان فدائیان خلق، سازمان پیشاهنگ طبقه کارگر ایران را گرامی میدارند.

۱۹ بهمن برای خانواده بزرگ ما فدائیان روز بزرگی است. در این روز گویی آرمانهای بزرگ نخستین شهدای فدائیان خلق یعنی آزادی، استقلال و پیروزی مردم ایران و پیروزی سوسیالیسم با زلالی و درخشندگی بیشتری در ذهنها نقش میبندد. در این روز پیام های واپسین صدها شهید کاروان انبوه شهیدان سازمان، که در راه همین آرمان جان باختند، رساتر از هر وقت در گوشه طنین می اندازد. ۱۹ بهمن برای ما روز تجدید عهد با آرمان باشکوه همه شهیدانمان، روز صیقل دادن اراده ها در نبرد با دشمنان است. ۱۹ بهمن روز بیمان عشق و ایمان به خلق و مبارزه برای پیروزی کارگران و زحمتکشان ایران، روز تجدید بیمان با سازمان فدائیان خلق ایران است.

در این روزه دیدارها، قرارها، جلسات... حتی در زندانها و بازداشتگاهها و شکنجه گاههای بیشمار دیکتاتور، حال وهوایی دیگر دارد دستها گرمتر از همیشه بهم فشرده میشوند، به یاددها شهید دقیقه ای سکوت میشود، از دفتر قهرمانی ودلاوری فدائیان سخنان می رود و جوانان فدایی آگاه تر و استوار تر برای ادامه نبرد با یکدیگر بیمان می بنهند.

۱۹ بهمن جشن بزرگ ما است. این جشن بزرگ هر همه جوانان فدایی خجسته باد.

علامیه کمیته مرکزی سازمان جوانان فدایی خلق ایران (اکثریت) بمناسبت سالگرد انقلاب بهمن با تشدید مبارزه علیه رژیم خمینی آرمانهای انقلاب بهمن را زنده نگه میداریم!

بهمن، ماه قیام خلق و پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران بر رژیم سلطنتی شاه آمریکا و با داور قهرمانان بزرگ و فراموش نشدنی زحمتکشان ایران در برپایی ایرانی آزاد و دموکراتیک است. در نبرد دلیرانه خلق با رژیم آمریکا بی شاه، جوانان ایران سهم بزرگی برعهده داشتند. میلیونها جوان کارگر، دانشجو، دانش آموز، دهقان و سرباز طی روزهای انقلاب و در جریان قیام مسلحانه خلق حماسه های بیادماندنی از قهرمانی و فداکاری آفریدند و با تقدیم هزاران شهید در هموار کردن راه پیروزی، دلاورانه کوشیدند. سازمان جوانان فدایی خلق ایران (اکثریت) این قهرمانان و فداکاریهای بیشمار را که بزرگی زرین در تاریخ مبارزات مردم میهن مادرا را آزادی، رها می مینماید و بیان دادن به بهره کشی و ستم است، گرامی میدارد. وبه خاطر شهدای درخون خجسته انقلاب درود میفرستد.

سربازان علیه جنگ

رژیم جنایتکار و ضد بشری خمینی برای جلوگیری از فرار جوانان از سربازی و برگردن جبهه های مرگ تلاشهای ارتجاعی و جناحیتگرا را خود را تشدید کرده است. اخیرا مجلس ارتجاعی در مردود تصویب طرحی است که بموجب آن کلیه نیروهای انتظامی موظف به شناسائی و دستگیری مسئولین غایب خواهند گردید. ودوران خدمت این مسئولین ۶ ماه اضافه خواهند داد و کسانی که به مسئولین کاربدهند... دبه ۳ سال زندان محکوم خواهند شد. این قوانین ارتجاعی تشدید مقررات سنگینی است که تاکنون برای شکار و کشتار جوانان اجرا میشده است، از جمله: شرکت در کنکور و استخدام منوط به داشتن کارت پایان خدمت است. دفاتر ثبت بدون دفترچه پایان خدمت هیچ معامله ای را به ثبت نمی رسانند. جوانان بدون داشتن دفترچه پایان خدمت نمی توانند ازدواج کنند. در تعدادی ها سهمیه به آنان تعلق نمی گیرد، کوین به آنها نمی دهند... رژیم میکوشد جوانانی را که نمی خواهند در جبهه ها کشته شوند از حق زندگی محروم کند.

درکنار تشدید فشار از طریق وضع قوانین ارتجاعی، مزدوران رژیم برای شکار سربازان فراری و مسئولین غایب به تلاشهای خود ادامه میدهند. بقیه در صفحه ۹

پیام تبریک کمیته مرکزی سازمان جوانان فدایی خلق ایران (اکثریت)

به کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

در صفحه ۲

اعتراف خمینی به شکست "انقلاب فرهنگی" در صفحه ۱۲

معلمین حق التدریسی باید استخدام شوند! در صفحه ۱۲

"گفتگو با خالق لحظات هفتده گانه بهار" در صفحه ۸

پیام کمیته مرکزی

سازمان دمکراتیک جوانان افغانستان

در صفحه ۱۲



بامردم، جشنهای انقلاب را

بزرگوار کنیم!

در صفحه ۳

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنوینی رژیم جمهوری اسلامی!

پیام تبریک کمیته مرکزی سازمان جوانان فدایی خلق ایران (اکثریت) به کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

با زدارد، جوانان فدایی با تمام قوای خود در زیر پرچم پرافتخار سازمان فداییان خلق، برای پایان دادن به جنگ شوم ارتجاع و سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی کرامی کنند.

رفقای کرامی!

مشق انقلابی و رهنمودهای ارزنده کمیته مرکزی سازمان، پیکار دلیرانه فداییان خلق و خاطر همدما شهید به خون خفته فدایی همواره راهنما، شکیبگانه و الهام بخش سازمان ما در پیشبرد این وظیفه دشوار اما شرافتمندانه بوده و خواهده بود. ما ایمان داریم که فدای با شکوه میهن ما را آرمانهای انقلابی ما خواهد ساخت.

در اهتزاز با دبرچم پرافتخار سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

کمیته مرکزی

سازمان جوانان فدایی خلق ایران (اکثریت)

بهمن ۱۳۶۴

رفقای کرامی!
کمیته مرکزی سازمان جوانان فدایی خلق ایران (اکثریت)، با شور و شعف بسیار، با نزد همین سالگرد بنیادگذاری سازمان پرافتخار فداییان خلق ایران (اکثریت) را، شما و همه رفقای فدایی صمیمانه شادباش می گوید.

برای جوانان فدایی بسیار غرور انگیز است که در آستانه این روز بزرگ، یکبار دیگر وفا داری تاپسای جان خود را به آرمانهای با شکوه فداییان خلق، که امروز در خط مشی و سیاستهای رهبری سازمان تجلی یافته است، با پانگ رسا اعلام دارند. ما مبارزه در راه این آرمانهای والا را با همه توان ادامه خواهیم داد. ما سیاستها و شعارهای فداییان را که یگانه تضمین واقعی سعادت جوانان میهنمان است به میان توده های میلیونی جوانان ایران، خواهیم سپرد. دیکتاتورهای خونین رژیم ضد بشری خمینی قادر نخواهد بود ما را در این راه پرافتخار حتی لحظه ای

اسلامی بر مردم ایران تحمیل کرده است. تسداوم بخشد. خشم و نفرت همگانی از این رژیم فاسد و جنایت پیشه روز افزون است. جنبش توده های علیه جنگ و علیه رژیم مردم بیشتر اوج میگردد و بسا امواج نیرومندی بر پیکار این رژیم بسو سیده میگردد. در این مبارزه همانگونه که تاکنون شاهد بوده ایم، جوانان نیروی قدرتمند و جنگاوری را تشکیل میدهند.

جوانان مبارز و انقلابی!

آرمانهای انقلاب بهمن را زنده نگاهدارید. قهرمانیهای بزرگ خلق در روزهای انقلاب را سرمشق قرار دهید. تجارب گرانقدر انقلاب را بکار گیرید. مبارزه علیه رژیم ارتجاعی خمینی را در جهت دستیابی به خواسته های عادلانه خود گسترش دهید. مبارزه متحد و متشکل یگانه راه پایان بخشیدن به جنگ، به زندگی فلاکت بار فعلی و تامین زندگی سعادتبار فرد است. در این راه جوانان فدایی با همه نیرو و درکنار شما و باور شاهستند. با سازمان جوانان فدایی خلق ایران (اکثریت)، سازمان جوانان انقلابی میهن پرست و آگاه ایران بپیوندید و در راه سرنگونی رژیم ضد بشری خمینی، تحقق آرمانهای انقلاب بهمن و شکوفایی میهن و سعادت جوانان مبارزه کنید.

جاودان با د آرمانهای با شکوه انقلاب بهمن!

پیروزی با د مبارزه خلق
در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی

گسترده با د مبارزه انقلابی جوانان میهن در راه برپایی جمهوری ملی و دموکراتیک ایران!
مستحکم تر با د پیوند جوانان با سازمان جوانان فدایی خلق ایران (اکثریت)

کمیته مرکزی

سازمان جوانان فدایی خلق ایران (اکثریت)

بهمن ماه ۶۴

با تشدید مبارزه... بقیه از صفحه ۱

جوانان مبارز و انقلابی!
سینه های بهترین فرزندان خلق از اروپا گلوله های رژیم آمریکائی شاه از هم شکافته شد و قهرمانیها و فداکاریهای بی شمار مردم برای انجام گرفت که زندگی سراسر رنج و محنتی که رژیم سرسپرده شاه به مردم ما تحمیل کرده بود، دگرگون شود. استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی آماج مقدم خلق بیباخته بود. انقلاب بهمن تحقق این امواج را در ایجاد میهن آزاد و دموکراتیک و در تاسیس شکوفائی همه جانبه کشور پی میگرفت.

رژیم جمهوری اسلامی و در رأس آن شخص خمینی به امید و اعتماد مردم و به هدیه های انقلاب بهمن خیانت کردند و یکبار دیگر میهن ما را در خون و رنج و دیکتاتورهای فرو بردند. ۷ سال پس از انقلاب، کارنامه رژیم مدافع سرکمان داران و بزرگ مالکان سر تا سر سیاه، تنگمن و مملو از جنایات بی شمار است.

این حکومت ارتجاعی و لجام گسیخته، زندگی جوانان و نوجوانان میهن ما را نیز بسکلی تپسای کرده است. بفرمان خمینی صدها هزار تن در جبهه های جنگ کشته، معلول و اسیر شده اند. بهترین و آگاه ترین جوانان در زندانهای جمهوری اسلامی و وحشیانه شکنجه میشوند و دسته دسته به جوخه اعدام سپرده میشوند. رژیم گورستانها را آباد و بر شهرها و روستاهای میهنمان گرد مرگ پاشیده است. آموزش و تحصیل جوانان به وضع فلاکت باری دچار است، میلیونها جوان از بیسوادی و بیگاری رنج میبرند، جوانان به زور سربزه و گلوله با ساداران خمینی از بدبختی ترین حقوق خود محرومند.

زندگی جوانان میهن ما در رژیم جمهوری اسلامی سیاه، بدون آینده و فاجعه انگیز است.

جوانان مبارز و انقلابی!
دیکتاتورهای خونین و لجام گسیخته خمینی قادر نیست زندگی تنگت باری را که رژیم جمهوری

با مردم، جشنهای انقلاب را برگزار کنیم

امسال هم، به سیاق سالهای گذشته، حکومتیان در آستانه سالگرد انقلاب، بیوق و کورنا بر میدارند. با یادآوری روزهای پرشکوهِ انقلاب، تلاش می کنند تا برای سیاستهای ضد مردمی شان تبلیغات کنند، در راه این تبلیغات ارتجاعی، شعار منحوس "چنگه جنگ تا پیروزی" قرار دارد.

اما احتیای این جانیان دیگر نزد مردم ما رنگباخته است. مردم ایران با نفرت به این زوزه های شوم گوش میدهند و علیهاً به اعتراض بر می خیزند، وظیفه ماست که بکوشیم اعتراضات توده ای، شمر بیختر و کار آتر باشد.

با تمام قوا باید تلاش کنیم تا مراسم حکومتی برای سالگرد انقلاب در شهر و روستا، در دانشگاه و مدرسه در کارخانه و اداره و در محله تحریم شود. مزدوران حکومتی سعی خواهند کرد تا با زور و ارباب و فربکار ی عده ای امروز نصیبشان شده است، فوقاً با توده سومند است. برای این کار از همه شیوه های تبلیغی با پیسودمند است.

با یدخا طره شهیدان روزهای انقلاب که اگر از زحمتکشان میهن ما نبودند گرامی می یادیم. با برپائی مراسم مختلف مثل جشنهای ورزشی، مراسم فرهنگی و هنری در محلات مثل نمایش فیلم، اجرای تاترها

و برپا نه های کوهنوردی رختی جشنهای کوچک در خانه ها با داین روزهای بزرگ را زنده نگاه داریم. انقلاب بهمن نشان داد که چگونه وقتی یک خلق آزاد می کنند، غدا رترین و پر قدرت ترین حاکمان را هم به زیر می کشد. با زنده کردن روزهای انقلاب با پیسودمند که سرنوشته نظیر سرنوشته رژیم شاه، در انتظار رژیم خمینی است.

سلطنت طلبان رنگارنگ از طرفداران نیم پهلوی تا بختیار، با استفا ده از خیاننت رهبران جمهوری اسلامی می خواهند به مردم القا کنند که در طرفه آنها اشتباه کرده اند. حوادث انقلاب که مردم خودشان و سیما در آن حضور داشته اند، تجربه ارزنده ای است که جناب پیشگی این دلدکان و وابسته به امیریا لیسر را آفتاب میکند.

تجربه توده های شرکت کننده در انقلاب، دستمایه ارزشمندی است که دوستان و دشمنان خود را بدرستی با زرشنا سنده با یدمو افغ انقلابی و روزمنده گی و از جان گذشته گی فداشیان خلق در آن روزهای سرنوشته ساز و امروز در میان جوانان و همه مردم خا طرفشان سازیم. اهداف و سیاستهای انقلابی سازمان در مبارزه با سرمایه سرکونی رژیم جمهوری اسلامی و استقرار حکومت ملی و دموکراتیک را برای آنان توضیح دهیم. ضمن تلاش بسیار جدی برای تأمین اتحاد همه نیروها در این مبارزه، با هیت و اهداف آنچرا که دشمن در میان مردم و از جمله جوانان تبلیغ می کنند شرح نمائیم.

و با لافخه جوانان فداشیی می باید بست فعاً لیتهای تبلیغی توده های سالگرد انقلاب را با شناسا تسندن اهداف و مواضع انقلابی سازمان جوانان فداشیی خلق به توده جوانان کشور همراه سازند. شعارهای پیشگام را هر چه گسترده تر در میان آنان برده و در همه جا نقش نمائند.

دور نیست روزی که با پیروزی مبارزات توده های میهن ما، اهداف اصلی انقلاب بهمن ۵۷ در ایران انقلابی متحقق خواهد شد.

به یاد آنکه سرود زندگیش "انسان بود"

"مهروز" یکی از بخشهای شهریزد و دره ۲ کیلومتری این شهر است. کسانی که سالهای ۵۲، ۵۱ این جا زندگی میکردند، خوب به یاد دارند که سربازی به سگاه راست اندامی آمده بود که با دیگران کاملاً متفاوت بود. مدت زیادی نگذشت که دانستند این سرباز در شیراز دانشجو بوده و پس از درگیری در دانشگاه و زندان به خدمت وظیفه تعیند شده است. دلیل این همه کنجگاری درباره این سرباز، مهربانی و صمیمیت او بود، خیلی زود به همه های ده دوست و رفیق نزدیک او شدند. خانه کوچک سرباز جهانگیر بهتاجی که بچه ها جهانگیرخان صداش می زدند، محل رفت و آمد بچه ها شده بود. جهانگیر که فوتبالیست خوبی بود، خیلی زود تیم فوتبال را در روستا به راه انداخت. با کمک بچه ها میدان بزرگی را که پر از سنگ و کلبوخ بود صاف کردند، چوب آوردند و دروازه درست کردند و بالاخره میدان فوتبال برپا شد. برپا نه تمرین نیم آروز در هفته بود. جهانگیر هم به بچه ها تکنیک فوتبال را آموزش میداد و هم بازیها را اداره میکرد. تلاش جدی جهانگیر آن بود که روابط طبیعی میان او و انسانی بین بچه ها شکل بگیرد. اینکار را باره انداختن فعالیت های جمعی و ایجاد همبستگی بین آنان، توانست انجام دهد. شبها با بچه ها در منظره ای تماشا می داشت. بچه ها که هر کدام در کلاسهای مختلف درس میخواندند تا دیر وقت شب آنجا می نشستند، در سرشان را تمرین میکردند

و اشکالشان را از "جهانگیرخان" سوال میکردند. اهالی روستا خیلی به سرباز جوان علاقمند شده بودند. آنها اقتضار میکردند که فرزندشان از جمله کسانی است که نزد جهانگیرخان می رود می گفتند که حتماً از او یک چیزی یاد بگیرد. جهانگیر بهتاجی، فداشیی خلق ایران به ایمن ترتیب دوران تبعید سربازی اش را نیز به میدانی برای کار و فعالیت توده ای و آگاه گرانه میان فرزندان زحمتکشان تبدیل کرده بود. در شرایطی که در همین جا به تکثیر تراکتها و اعلامیه های سازمان فداشیان خلق ایران اقدام میکرد.

بسیاری از این جوانان و نوجوانان و دیگرانی که در مناطق مختلف ایران با رفیق جهانگیر آشنا شده بودند، دوست و یار و رفیق او شدند و با وجود اومی یافتند. جهانگیر هر جا که بود، باید برای جدی ترین امور زندگی شان با او مشورت میکردند. اگر میخواستند تکلیف بدهند، شغلی انتخاب کنند، ازدواج کنند و یا ... برای جهانگیر تا به می نوشتند یا به دیدنش می رفتند. شهادت زبانی از این جوانان و نوجوانان زحمتکش و پاک، دوستان نزدیک جهانگیر بودند. بسیاری از آنان در دوستی با جهانگیر به انسانهایی شرافتمند، مفید و آگاه تبدیل شدند و تعداد کثیری شان پای به راه مبارزه انقلابی نهادند.

مهربان امسال جلادان رژیم جنایتکار خمینی، رفیق جهانگیر بهتاجی، که در برجسته سازمان فداشیان خلق ایران (اکثریت) با خیرباران کرد اما یاران، دوستان و رفیقان جهانگیر، لشکری تبه و را به مصاف این جنایتکاران فرامی خواهند.



فدائیان خلق، الهام بخش مبارزین جوان

نیز تا شیرات عمیقی برجای گذارد. اشعار و ادبیات رزم جوانیانه و انقلابی، مملو از روحیه مبارزه و مقاومت تحت شایر رزم جا نیا زان فدا شیان شکل گرفت و انگیزه و محرک نیرومندی در کشاندن اقتشار تازه تری از جوانان به میدان مبارزه گردید.

دانشگاههای کشور در آن ایام، اصلی ترین کانون و جلوه گاه تا شیرمیا رزه انقلابی سا زمان بودند. محافل سیاسی دانشجویی بسرعت در جهت پشتیبانی از فدا شیان خلق، برقراری پیوند با آنان و همسوئی با مبارزه شان به حرکت درآمدند. جوق فل سنیاه دا ششکا هیا گسترش یافت. موج اعتصابات دانشجویی در حمایت از فدا شیان خلق برپا شد. علیرغم تلاشهای رژیم برای سرکوب و به انحراف کشاندن مبارزه دا شنجویان دا ششکا هیا به مدرسه بهرورش کارهای انقلابی بسدل شدند. شبرد دلیرانه و جان نبرک فدا شیان خلق و اهداف و آرمانهای انقلابی شان ظیف وسیعی از دانشجویان را یافت و صوف سا زمان جلب و جنبش دا شجوی اوجی تازه یافت و با نیروی پرتوان به مبارزه علیه دیکتاتور رژیم وابسته شاه برخاست.

تا شیرات انقلابی فدا شیان خلق بر نیروهای جوان در جریان انقلاب و بیویزه روزهای قیام شکفته و با رور گردید. نیروی عظیمی که زیر پرچم خونین فدا شیان خلق گرد آمدند، سهمی بزرگ در پیسرورزی انقلاب بهمین ایفا کرد.

تا م فدا شیا با بزرگترین حماسه ها، اینار هیا و از جان گذشتگیها در هم میخت و سرمشق اقتشار وسیعی از جوانان که پای در میدان مبارزه میگذا شتند قرار گرفت.

۱۵ سال مبارزه انقلابی فدا شیان خلق لشکری از جوانان انقلابی، میهن پرست و از جان گذشته بید آورده است. هیچ نیروی قادر به درهم کستن ایسن صوف انبوه نیست صوفی که دم بدم انبوه ترمیشود و از جمله سازندگان آزاد و دموکراتیک و آینده خاود بود.

مبارا از بیهوشی و ستم، فردای شکوفای ایران عزیز خواهد بود.

ما جوانان فدا شیا افتخار می کنیم که پویندگان چنین راهی هستیم.

۱۵ سال از آغاز مبارزه انقلابی فدا شیان خلق میگذرد. سنگاه گذران سالها اهمیت عظیم تا شیر حرکت سا زمان در میان نیروهای جوان و روی آوردن نسل تازه ای از مبارزین به جنبش انقلابی ایران را بخوبی نشان میدهد.

از همان ابتدا رزم انقلابی فدا شیان خلق بطور گسترده ای درسار کشور انعکاس یافت. طی مدت کوتاهی بیشترین محافل پیشرو و طرفداران ما رکیسم-لنینیسم در پیوند با سا زمان قرار گرفتند. نیروهای جوان و مبارز جویک بسیاری کدر سرار کشور، چسبون جویبارهای کوهک و پیرا کنده ای بهر سوی جاری بودند دریک مسیر واحد و پرخروش، در مسیر فدا شیان خلق به جریان درآمدند.

مبارزه انقلابی فدا شیان جومبارزه جوشی راد در جامعه با لایرو تا شیرات نیرومندی در گسترش مبارزه در میان اقتشار و محافل جوانان باقی گذارد. تحت تا شیر سا زمان جوانان بسیاری قدم در راه مبارزه سیاسی گذاشتند. سا زمان توانست آندسته مخالفان و مبارزه با دیکتاتور شاه و همه دشمنان مردم و دفاع از حقوق زحمتکشان را به میان طیف گسترده ای از جوانان ببرد. جوانان بسیاری با ایمن به آرمی اراستین طبقه کارگر و بیروزی سوسیا لیم - با عشق و وفاداری به مردم و مبارزه علیه دشمنان آن، در ارتباط با سا زمان آموزش و تشکل یافتند.

مبارزه قهرمانانه فدا شیان خلق فرهنگ مبارزه و مقاومت اینار و از جان گذشتگی و فرهنگ وفاداری به خلق و تسلیم ناپذیری در مقابل دشمن را از میان شورانگیز داد. تا م و سنتهای انقلابی سا زمان و سیمای عمیق انسا دوستانه و میهن پرستانه فدا شیان خلق به راه و رسم هزاران هزار جوان پرشور و میهن ما بدل شد.

زندانها چهره دیگری یافتند. مبارزه زندانیا ن سیاسی اوج گرفت. زندان به مکتب انقلاب بدل شد. پیدادگاههای نظامی شاه را فریادهای شجاعانه انقلابیون به لرزه در آورد. جنبش فدا شیان، روح پایداری و مقاومت را در مبارزین انقلابی روزا نتر ساخت. مبارزه انقلابی فدا شیان، در ادبیات و هنر ایران

جوانان در انقلاب...

بقیه از صفحه ۶
شده ای و برپایی کمیته های مردمی، جوانان فدا شیا تحت رهبری سا زمان برافتخارشان با متشکل ترین و تعمیم کننده ترین نیروهای جوان بودند. شمره سیاست و خط مشی انقلابی فدا شیان خلق و فعالیت همه جا نیه و پهرشور جوانان فدا شیا بود که "پیشگام"، پس از قیام بهمین به یک سا زمان توده ای و سراسری جوانان ایران تبدیل شد. اکنون سا زمان جوانان فدا شیا خلق ایران (اکثریت) که تجارب ارزنده ای در سالهای تدارک انقلاب پس از آن اندوخته است، با یکا گیری ایسن تجارب، تحت رهبری سا زمان پیشاهنگ طبقه کارگر ایران، سا زمان فدا شیا ن خلق ایران (اکثریت) در جنبش روبه گسترش جوانان ایران نقش بزرگ برعهده دارد.

از لحظه های...

بقیه از صفحه ۷
در انتهای میثی بوس، کنار پنجره نشسته ام دلم میخاود، لااقل همین نیم ساعتی راهم که در راه هستیم بخوابم. ولی هیچانی که در وجودم هست، نمیگذارد که پلک روی پلک آرام بگیرد. دستم بی اختیار مسلسل روی زانو انراوازش میکند، مثل بدی که فرزندش را تا ز کند. چهار روز مثل برق و باد گذشته است. در این مدت فقط یکی دو بار، چند ساعت روی نیمکت های دانشگاه فنی خوابیده ام. دور چشم هایم از بی خوابی سیاه شده اند و لوسی نیروی که از درون می جوشد، همه مان را سرپا نگه داشته است. حوادث این چند روز مثل یک فیلم از جلوی چشمان عبور میکنند. صدای ایست می آید. بچه های کوی کن، ماشین را متوقف میکنند. وقتی که کارت سا زمان فدا شیا را می بینند، با احترام و محبت را بازمیکنند و وقتی راه می افتیم بر ایمن دست تکان میدهند. داریم به سا زمان منطقه ای آب تهران میرویم

مردم به ستاد آمده بودند و گفته بودند که سا و اکیها میخاوند آب تهران را مسموم کنند. برای محافظت از صفی خانه های آب، نیروی مسلح میخاوستند. حالا چم هایم دارند گرم میشوند لااقل یک ربع دیگر راه باقی است.

آموزگار بزرگ زحمتکشان



ارانی درسیاه ترین دوران دیکتاتوری رضا شاه، پرچم مبارزه ایده‌ای و سازمانی حزب طبقه کارگر ایران را برافراشت.

هنگامی که دستگیر شد، در بیدادگاه دفاع از خود را به دفاع از همه زندانیان سیاسی، به دفاع از کمونیسم تبدیل کرد و رژیم دیکتاتوری را بر صندلی اتهام نشاند.

۱۴ بهمن ماه ۱۳۱۸، دکتر تقی ارانی، رهبر زحمتکشان ایران در زندان رضاخان به شهادت رسید نام ارانی بهمانه یکی از بنیانگذاران برجسته جنبش کمونیستی ایران در تاریخ مهین ما برجای ماند.

* * *

" تونمی دانی غریب یک عظمت وقتی که در شکنجه یک شکست نمی نالد چه کوهی است

تونمی دانی نگاه بی مژه محکوم یک اطمینان وقتی که در چشم حاکم یک هراس خیره میشود چه دریا بی است

تونمی دانی مردن وقتی که انسان مرگ را شکست داده است چه زندگی است

تونمی دانی زندگی چیست، فتح چیست تونمی دانی ارانی کیست.

از "قصیده برای انسان ماه بهمن" سروده احمد شاملو

توضیح المسائل

" دانگاه را بر ببرد طرف اسلام... درسیایی که چیز است، اسلام با همه چیزها، آلا بعضی از درسیها را استثنا کرده است، با آن مواضع است.

هر کس که این گفتار نغز " امام " را میخواند لابد از خود میپرسد منظور از بعضی " درسیهای چیز " چیست؟ با نگاهی به تجربه " انقلاب فرهنگی " میتوان دریافت که: درسیهایی که ماهیت علمی آنها بیخارافات ارتجاعی رژیم نمی خواند، درسیهایی که عقب ماندگی این رژیم را نشان میدهد، درسیهایی که دشمنی این تارک اندیشان را با علم، دانش و فرهنگ آشکار میکند، میخواند در زمره اییبن " درسیهای چیز " باشد.

" همیشه انسان باید حساس باشد که نگذارد این سنگری که میتواند همه چیز را درست کند و میشود که همه چیز را بهم بزند، یک وقت از دستتان این سنگر چیز نبود.

منظور از این یکی " چیز " چیست با زهم تجربه " انقلاب فرهنگی " نشان داده است که مراد از این است که یک وقت این سنگر از دست آقایان " در " نرود، احیاناً " مستقل نشود، در آن فعالیت سیاسی صورت نگیرد، کوهنوردی و از این دست کارها را نیفتد دانشجویان هوس نکنند در گروههای صنفی متشکل شوند یا با ارتجاع " چیز " کنند. (یعنی مبارزه کنند) اگر این دو چیز " در دانشگاه نباشد، دانشگاه همان دانشگاه مطلوب خمینی است.

ما فتح می کنیم...

دادگاه نظامی پیش از هر چیزی به بازار کارهای شباهت داشت که همه فروشندهگان آن با عریضه جویبی و هوچیگری و دلال بازی، یک کالا را عرضه میکردند؛ تبلیغات بازاری برای رژیم وابسته شاه خائن. در همین دادگاه بود که صدای زعدآسای فدائیان خلق خسرو گل سرخی صفرکشان چون شلاق فرود آمد: - به نام نامی مردم، با صدایی که از انفجار یک نارنجک توانا تر بود.

" من در دادگاهی که نه قانونی بودن و نه صلاحیت آنرا قبول دارم، از خود دفاع نمی کنم، من به عنوان یک مارکسیست خطایم با خلق و تاریخ است. هرچه شما بر من بیشتر بتازید، من بیشتر بر خود می بالم. چرا که هرچه از شما دورتر باشم به مردم نزدیک ترم. هرچه کینه شما به من و عقاید م شدیدتر باشد، لطف و حمایت توده‌ای از من قوی تر است. حتی اگر مرا به گور بسپارید - که خواهید سپرد - مردم از جسد پرچم و سرود می سازند.

رئیس دادگاه با به صدا درآوردن زنگ دنباله مدافعات را قطع کرد و با صدایی که سعی میکرد مثل یک دستور خشک وجدی باشد گفت: فقط از خودتان دفاع کنید. حاشیه رفتن و تبلیغات مرا می را کنار بگذارید.

گل سرخی پوزخندی زد: " از حرف‌های من می رسیدم؟ رئیس دادگاه عصبانی فریاد زد: " به شما دستور میدهم که ساکت شوید. بشنیدید! در چشمهای " خسرو " حریق افتاد. صدای هیجان زده‌اش بلندتر شد:

" - به من دستور ندهید، بروید به سرخوخه ها و گروهبانها بیا تن دستور بدهید. خیال نمی کنم صدای من آنقدر بلند باشد که بشنوند و جسدان خفته‌ای را (در این دادگاه) بیدار کند. خسوف نکنید می بینید که در این دادگاه به اصطلاح محترم هم سر نیزه ها از شما حمایت میکنند. پس از خسرو " صدای بی تزلزل کرامت اللسه دانشجویان در دادگاه پیچید.

وقتی منشی دادگاه حکم اعدامشان را قرائت کرد آن دو فقط لبخند زدند بعد دست یکدیگر را به گرمی فشردند و در آغوش هم فرورفتند. گل سرخی گفت:

- رفیق ودانشیان تکرار کرد: " بهترین رفیقم. "

روز ۲۹ بهمن ماه ۱۳۵۲، فداییان خلق خسرو گل سرخی و کرامت دانشیان را به جوخه اعدام سپردند.

دانش آموزان مبارز و انقلابی! برای مقابله با وضعیت وخیم آموزشی در مدارس، فریاد اعتراض خود را علیه کسب و معلم و فقدان معلمین با صلاحیت، تراکم بیش از اندازه کلاسها، محتوی ارتجاعی کتابهای درسی و فقدان امکانات آموزشی رسا تر سازید. علیه فقدان امکانات خدماتی در مدارس و اخاذیهای گوناگون از محصلین اعتراض کنید. برای ایجاد دستکمال های دانش آموزی، از انتخاب نماینده تا تشکیل انجمنهای ورزشی، فرهنگی و هنری و برپایی انجمن صنفی مدرسه مبارزه کنید.

جوانان

در

انقلاب

بهمن

در انقلاب بهمن ۵۷، جوانان ایران نقش برجسته‌ای در انقلاب داشتند و تا شیرات مهمی بر روی داد. های انقلاب بر جای گذاشتند. انقلاب نیز در سه‌ای از روش‌های برای جوانان داشته است که بلا شک در تحولات آتی جامعه ما جوانان بکار می‌گیرند. اوج گیری مبارزات دانشجویان از آغاز سال تحصیلی ۵۶ - ۵۷ با گردهمایی توده دانشجویان در شبهای "شعروادب" و در اجتماعات وسیع دانشجویی که خصلت همه‌گیر و بی‌سبب از پیش سیاسی به خود گرفته بود، دنبال می‌شد. این اجتماعات همه جا با هجوم و خشیا به پلیس و گارد مسلح و ساواکیها روبرو می‌شد.

آذرمه، در همه دانشگاهها اعتصاب و درگیری جریان داشت و در ماه در اعتراض به کشتار رژیم در قم تظاهرات وسیعی برپا شد. در قیام مردم قهرمان تبریز، دانشجویان، دانش‌آموزان، کارگران و زحمتکشان جوان این شهر، فعلا نه حضور داشتند. دانشگاه تبریز در این روزها در محاصره ارتش بود. مراسم چهلیم شهدای مردم دراکتبر شهرهای میهنمان تظاهرات اعتراضی را به دنبال داشت.

در پی گلوله باران و کشتار مردم ۱۷ شهریور ۵۷ دانشجویان با تظاهرات موضعی در شهرهای بزرگ سکوت سر نیزه حکومت نظامی را در هم شکستند. در جنبش اعتصابی توده‌ها که خصلتی کاملاً سیاسی بخود گرفته بود، کارگران جوان در کشتار ریدیکارگران قهرمان با شور و حرارت در اعتصابات شرکت می‌جستند. به موازات جنبش اعتصابی سراسری طبقه کارگران و توده کارمندان تظاهرات و جنگ و گریزهای خبیابانی اوج گرفتند. نیروی اصلی و ضربتی این جنگ و گریزها، جوانان بودند. جوانان با پیش‌انگامیه‌ها و نوشتن شعارهای انقلابی، با تظاهرات توده‌ها و خبیابانیه‌ها و پشت‌بام‌ها سکوت نکبت با حکومت نظامی را درهم شکستند.

مدارس و دانشگاهها نیز در جنبش اعتصابی توده‌ای و سراسری شرکت داشتند. دانشجویان و دانش‌آموزان از جمله فعال ترین گروه جوانان در جنبش بودند. هنگامی که کارگران نفت به اعتصاب قهرمانان نسیه خویش دست زده بودند، دانشجویان و دانش‌آموزان در خیابانهای شهر میز می‌گذاشتند و برای کمک به اعتصابیون، پول جمع می‌کردند. آنها به کارخانه‌ها و به میان کارگران اعتصابی می‌رفتند، با آنها اعلام همبستگی می‌کردند و به سخنرانی‌های افشاگرانه و ضد رژیم می‌پرداختند.

دانشگاهها در این شرایط از تنبهنده ترین مراکز جنبش انقلابی بود. حوادث آبان ماه دانشجویان هفته همبستگی ملی، پیام زندانیان سیاسی آزاد شده به این اجتماعات، تظاهرات خونین ۱۳ آبان - در اعتلای جنبش عمیقاً موثر بود. با شروع تظاهرات مردم در خبیابانیه‌ها جنبش اعتراضی به شکل وسیع و همه‌گیر در میان سربازان، آغاز شد. سربازان و گروه بزرگ جوانانی که اکثرآ فرزندان کارگران و زحمتکشان کشور بودند، نمی‌خواستند خود را ویران و آوار کنند و راکتار کنند. بویژه پس از جمع خونین مبارزه سربازان شکلی قطعی بخود گرفت. سربازان از خدمت وظیفه فرار می‌کردند. روحیات انقلابی توسط اینان بویژه به روستاها منتقل می‌شد. عمده‌ای دیگر از سربازان در لحظات حساس درگیری مردم با نظامیان

با سلاح‌ها ایشان به صف مردم می‌پیوستند و در اعتلای روحیه مردم، تا شیرات عمیق برجای می‌گذاشتند. تورا انقلابی فرماندهان مزدور ارتش در روزهای انقلاب از قهرمانی‌های سربازان وظیفه بود. در استوارترین پایگاه شاه، توسط این جوانان زحمتکش و انقلابی زلزله‌ای ایجاد شده بود.

در کمیتسه‌های تعاونی و همیاری که در محلات تشکیل شده بود، جوانان نقش ارزنده‌ای داشتند. در روزهای سرد زمستان ۵۷، بویژه در محلات زحمتکش نشین جوانان به خانه‌ها نفت و مواد غذایی می‌رساندند. امورا جرابی این تعاونی‌های مردمی، توسط جوانان انجام می‌گرفت. کمیتسه‌های انقلابی جوانان محلات، تبدیل به یک نهاد استوار مردمی در بسیاری مناطق شده بود.

روزهای پس از فرار شاه، کوچه‌ها و خیابانها، صحنه‌های مبارزات خونین مردم جوانان با مزدوران رژیم بود. آموزشهای نظامی، تهیه سب‌های دستی (کوکتل مولوتف، سراهی)، شناسایی با سلاح و استفاده از آن و کسب مهارت در کمک‌های اولیه توسط جوانان عمدتاً در این دوره صورت گرفت.

شاه ۴۰ بهمن‌گاردشاه‌ها برای کودتای تلاش مذبح‌ها را آغاز کرد. واحدهای نیروی هوایی به درگیری با آنها بیاختصاص. صف عظیم تظاهرات فداییان خلق به یاری سربازان نیروی هوایی و همافران شتافت. قیام مسلحانه همگانی خلقی شعله‌ور شد. جوانان دلاور و انقلابی ایران با تمام توان در قیام شکوهمند شرکت کردند.

جوانان فدایی که از ماههای قبل از قیام بانام پیشگام فعالیت می‌کردند، تحت رهبری سازمان نقشی شایسته در جنبش انقلابی ایفاء کردند. آنان با به‌گذار هسته‌های مخفی بودند که فعالیتها ی صنفی و سیاسی در مدارس و دانشگاهها را هدایت می‌کردند. اینجا سازمان دانشجویان پیشگام در سال ۵۷ که در تحکیم اعتبار و نفوذ دانشجویان هواداران سازمان نقشی تعیین کننده و برجسته داشت، ثمره برپا رزم دلاورانه جوانان ایران بود.

نیروی ضربتی و جدی تبلیغات سازمان فداییان خلق ایران در این دوره، عمدتاً جوانان فدایی بودند آنها در گروههایی که نام "هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران" را داشت، متشکل شده و با سازمان مادر ارتباط یک جانبه و مستقیم داشتند. از جمله وظایف این گروهها تشریح و پیش‌انگام و اعلامیه‌های سازمان، شعار نویسی، هدایت و رهبری تظاهرات توده‌ای و شرکت فعال و موثر در جنبش اعتصابی توده‌ای بود. فعالیت تبلیغی فدایی گروهها فوق العاده گسترده و وسیع بود. در پرتو این فعالیتها، مردم به خوبی با مواضع سیاسی فداییان خلق آشنا می‌شدند.

وقتی ضرورت داشت که کسانی جلوگیری کنند و صفوف متحد مردم را در درگیری‌ها هدایت کنند، زخمی‌ها را با یاری رسانند، به نظر هر کسندگان روحیه بدهند، بویا - لاف در همه لحظات دشوار، جوانان فدایی حاضر و آماده بودند.

جوانان فدایی در دانشگاهها و مدارس، در پادگانها کارخانه‌ها و کارگاهها و در محلات، موثرترین نیروهای سازمان تکمیل مبارزات جوانان بودند. آنها در بروردن آموزشهای نظامی، شیوه‌های جنگ و گریز و استفاده از سلاح نیز از زبانتان جوانان بودند. بویا لاف در روزهای قیام شکوهمند بهمن ۵۷، در هنگامه تسخیر پادگانها، در برپایی سنگرها، سازماندهی تبلیغ



روی آسمان می رقصیدند. از شادی داشتیم پرواز میکردیم خودم یکی از تراکت ها را روی آسمان گرفتیم و وقتی که با لئو تراکت می نویسیم ، چقدر تمیز و مرتب میشود."

زیر پهل سید خندان که رسیدیم ، اعلامیه های حمله فدائیان به پادگان حضرت آباد ، پخش شد. دیشب گویا همه گروه های هوا دار تا صبح بیدار نشسته بودند.

بوی دود و باروت ، متوا های سوخته و گساز اشک آور ، خون ولجن جوی ها با هم مخلوط شده صدا ها چنان درهم پیچیده که اگر گوش هم بکنی هیچکدام را به وضوح نخواهی شنید. حالا دیگر سکسکه خشک مسلسل ها آرام تر شده است و با فاصله طولانی تری می زند ؛ تق - تق

نفس از سینه ها مان که بیرون می آید ، مثل آن است که یک مشت سوزن درش ها با لولای پنبه می روند . چنان دیده ایم که انگار گلوله از لوله تفنگ رها شده . حالا دیگر می آید دختری دارد فریاد میزند و گریه میکند: "تنه راه رها ها ، جنگ مصلحانه است . معطل نمی توان ایستاد . خریدیم بر میگردیم . در عرض چند دقیقه لاقل ۵ نفر را از میدان بیرون می کشیم . بیش از چند جای بدنشان را گلوله دریده است . گلوله گلوی پسر جوانی را که بوهای مورش تازه سز شده است را پاره کرده است . خون از شا هرگش به سرعت بیرون می زند . به ماشین که نزدیک می شویم ، روی دستهایمان دچار رعشه می شود . روی زمین کلاه میگذاریم ، تمام میکند . یک نفر زار میزند و می شنیدند .

جمعیت جنازه را روی دست می بردند و شعسار میدهند . آنکه بنفش ترکیده بود ، حالا یک چنوب در دست دارد و پا چشم های خون گرفته فریاد میکند بگو مرگ بر شاه

غروب روزی که شاه فرار کرده بود ، رفیق را ملاقات کردم به گزارش با دقت گوش میکند . از بچه ها می که در مدارس داریم ، سربازها و ارتباطی که با کارگاه گرفته ایم برایش میگویم . توی نگاهش جستجو میکند که راضی هست یا نه ؟ از اعتبار و نفوذ بچه ها می پرسد و از کارمان در محل ، میگوید که روزهای سرخوش سازی در پیش است . باید چهار چرمی اوضاع را دنبال کنیم . یک ساعتی که با هم بودیم ، مثل برق گذشت رفت و گفت که از این به بعد ارتباطمان سریدتر می شود هنوز دلم می خواست که حرف می زدیم . هنوز یک دنیا گفتنی داشتیم و بیش از آن پرسیدنی .

تا چشم کار میکند ، جمعیت است . روی پهلای فاف می ایستم تا این در بیاید و خورش را تماشا کنم . مردمی که در پیاده روها هستند ، با تحسین و مهربانی به بچه ها نگاه میکنند . می ایستند ، بی اختیار شاعران ها یشان را تکرار میکنند و پشت ها را بالای سرشان گره میکنند . پرده اشک ، یک لحظه جلوی دیدم را تسخیر میکند . دلم میخواست از خوشی ، زار بزنم . عکس رفقای شهیدمان داخل صفوف موج می زند . دست مثل این است که دارند حاصل کارشان را نظاره میکنند . به میدان فردوسی که میرسیم ، اعلام میکنند : فدائیان به حمایت ازما فرآن به پادگان نیسروی هوانی رفقا اند . جمعیت در گروه های چند نفری برای کمک می شتابند . جرقه قیام زارده اند ، شعله سراسر پایتخت را فرا میگیرد .

وقتی بیخام رسید که باید سرفرا بیایی از شادی در پوست نمی گنجیدم . آنقدر به انتظار مانده بودیم ، که بعضی وقت ها دیگر پاک تا آمدن میشدیم . اما بالاخره به آرزویمان رسیدیم . حالا دیگر گروه ما هم با سازمان ارتباط داشت . خرابهای را در یک گوشه از شهر تعیین کرده بودند که هر هفته یکبار با کنترل علامت سلامتی باید می رفتیم و تازه ترین اعلامیه ها و جزوه ها را بر میداشتیم . بچه ها فقط دانستند که ما تازه به تازه اعلامیه دریافت میکنیم اما از باقی قضایا نه چیزی می پرسیدند و نه چیزی شنیدند . یک لیست بلند بالا درست کرده ایم که آدمهای اساسی محله هستند . با معلمند و با کارگر و با کارمندان مبارزان به اینها باید جزوه و اعلامیه ها را داغ داغ رساند این روزها ، هنوز تکثیر دستی (که چارچوب و پتانسی می گفتم) راضی مان میگرد . کارش کند بود ولی بالاخره وقتی ۵۰۰ برگ اعلامیه را روی هم میچیدیم برای خودش حجمی داشت .

توقی اسپری رنگ که زیر پیراهن پنهان بود یک جور سرما را به تنم منتقل میکرد . و وقتی راه می افتادم ، تپله درونش صدا می کرد . وقتی می دیدم مثل زنگوله صدا می داد و می گفت که در کجا هستیم . ولی باکی نیست ، در این سیاهای شب چه کسی میخواست سرد ما را بزند .

قرار بود که من بنویسم رفیق دیگرم مراقب اوضاع باشد . اولین شعار را که نوشتم ، جمله کردم . بدخط شد . ولی می شد خواند ، " بگو مرگ بر شاه " از لذت همه تنم یک جور مطبوعی لرزید . به خیابان که رسیدیم ، اوضاع خطرناک تر بود . نیمه کاره یک نفر سوت کشید و به دنبالش صدای خفای ، آمرانه گفت : " برین توجه آب ، ماشین های حکومت نمی دارند می آند " . هیچ فکر نمی کردیم که توی این تاریکی های ما را دارند . توی جوی آب کز کرده بودیم . شعار نیمه کاره درست بالای سرمان بود . صدای تپش قلم را به وضوح می شنیدم . انگار صدای همسه خیابان را زیر کرده است . نور آگن روی ماشین در اطراف خیابان چرخید و تا گه گان ، شلیک را آغاز کرد . بی اختیار سرم را زدیم . به آسمان شلیک میکردند . از پشت بام های چند خیابان آن سوتر صدا می آمد . وقتی که رفتند صداها سلام کردند .

صبح که از خانه بیرون میزدیم ، چشم هایم از خواب می سوخت . اما وقتی به صف تماشاها رسیدیم اصلا انگار خواب فراموش شد . تراکت های را که دیشب تا صبح زده بودیم ، حالا در جیب شلوار و زیر پیراهن داشتیم . یک ربع که رفتیم ، یک بسته را بیرون آوردیم . در کمر ما کمر شعار دادن ها ، وقتی جمعیت سخت دچار هیجان بود ، مثل کبوتری که آژانس کنند ، با تمام نیروی بسته را به هوا پرتاب کردیم . خوب که به آسمان رفت ، برگشت . چتر زد و باز شد . مثل اینکه ۱۰۰ تا بچه کبوتر زیبا با هم

گفتگو با یولیان سیمیانوف، خالق "لحظات هفده گانه بهاران"

رمان پرشور "لحظات هفده گانه بهاران" را خوانده‌اید؟ ما کسیم ایسایف، کمونیست قهرمان، هوشیار، وظیفه‌شناس و پیرا زعاطفه و عشق به صلح و بشریت را، یولیان سیمیانوف با آفرینی کرده‌است. یولیان سیمیانوف، یکی از مشهورترین و محبوب‌ترین نویسندگان اتحاد شوروی و هوهویت‌ترشیده اتحادیه سراسری نویسندگان این کشور است. کتابهای او هم در اتحاد شوروی و هم در دیگر کشورهای خوانندگان فراوانی دارد. تیراژ کتابهای او در سراسر جهان به ۳۰ میلیون جلد می‌رسد.

در شماره ۸۶ "اکثریت" نشریه سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور، گفتگویی بنا بر این نویسنده برجسته درج شده است که قسمتی از آن در اینجا آورده می‌شود:

روی سخم با جوانان ایرانی است البته میترسم چیزی بگویم که حمل برخورد ستایی شود، لذا حرف‌های لنین را که در سالهای ۲۰ برای جوانان گامی مول گفت تکرار می‌کنم. لنین برای جوانان کلمات گرم و آتشین گفت، و فقط گفت: "بایستد بیا موزید، بیا موزید و با رهم بیا موزید." من از نزدیک با جوانان ایران آشنا شدم، اما شور انقلابی آنها را در جریان انقلاب برقمه جرایبید خواندم و از تلویزیون مشاهده کردم. این شور، این قهرمانی باید که با سلاح دانش انقلابی تکمیل شود جوانان نباید بیا موزند و یا آکا هی در جهت استقلال، آزادی، دموکراسی و سوسیالیزم مبارزه کنند. من به اکثر کشورهای جهان سفر کرده‌ام، به موزامبیک، آنگولا، افغانستان و مکزیک به با را گوئه. در سالهای ۶۷ - ۱۹۶۸ هنگام جنگ آزادیبخش ویتنام خیرنگار بودم و زمانی که با مبارزان میهن پرست لاوس بسریدم با چه گوارا را شا عراب انقلابی بزرگ بولیوی با ویکتور خا را شا عراب تادار شیلی، با پیکا سو، با هوشی مین رهبر بزرگ مردم ویتنام با رها و بارها ملاقات کرده‌ام. من در تمام این نقاط جهان نیروهای خیرور را در مبارزه با هم دیدم؛ نیروهای ارتجاعی امپریالیسم جهانی بسر کردگی آمریکا و نیروهای صلح و سوسیالیزم، در تمام این مبارزات هر کجا که شوروی روش انقلابی راهماری عمل بود و توده‌های وسیع مردم آگاهانه تدریجاً مبارزات شرکت کرده بودند، افت پیروزی روشن و روشن تر بود و من در تمام این مبارزات این گفته لنین را که می‌گفت: "قدرت در نتیجه دانش و مبارزه آگاهانه وسیع ترین توده‌ها حاصل می‌شود" به عینه مشاهده کردم. شما خود در ایران تجربه کردید که آگاهی توده‌ها چه نقش مهمی در رشد و تعمیق انقلاب و در سمت گیری دست آ ن دارد.

امروز در ایران مردم بایک حکومت سوار و سواشی که حتی ابتدای ترین شکست خورده مردم را نیز با پامال کرده و می‌کند، روبرو هستند در قرن بیستم کودکان خردسال را چادر سومی کنند و افراد را بخاطر ترفی خواهی و پاداشتن عقابند خلاف مذهب اعدا می‌کنند. من شنیده‌ام که تعداد زیادی از این قربانیان را جوانان وحشی کودکان تشکیل می‌دهند. شنیده‌ام که در ایران به بدترین نوع به زنان ستم می‌کنند و دختران جوان را زنده زنده مورد تجاوز قرار می‌دهند، این اعمال جمهوری اسلامی تمام بشریت ترقیحخواه را به اعتراض واداشته است. تا جایی که من می‌بینم و

می‌شنوم سازمانهای انقلابی و مترقی تحت تعقیب قرار دارند و اکثر نویسندگان پیشرو و هنرمندان صاحب نام ایران یادزدندانها بسر می‌برند و یسا مجبور به ترک وطن و مهاجرت شده‌اند. من از این با بیت آندوه گینم و تلاش میکنم که در این مورد با تمام انرژی در جهت نشان دادن این فجایع و جلب حمایت هنرمندان و نویسندگان جهان برای محکوم کردن اعمال جمهوری اسلامی حرکت کنم.

قهرمان داستان من در لحظات هفده گانه بهاران، که نام اصلی او "ماکسیم ایسایف" و عضو سازمان اطلاعات شوروی است و با نام مستعار "اشترلیتس" در سازمان اطلاعاتی رایش سوم کار میکرد، انسانی است انباشته از عاطفه و عشق انسان و سعادت او، او به این خاطر در بدترین شرایط فاشیستی یک لحظه از کار نمی‌ایستد. من دربار آفریدن او به چیزهایی پرداخته‌ام که به بنظم نشانه عالی اصالت و شرف انسانی است. جنبه‌های عاطفی و دست داشتنی یک انسان را به خوانندگان بخصوص جوانان نشان داده‌ام. آکا هی، عشق، احساسات ظریف و عالی انسانی، کاروان فرسا، مبارز خیانت و شیرنگ، این گوهروجا نما به شخصیت داستان من است. او در خط مقدم جنبه علمی نیروهای شوروی جنگد. او سمبل انسان انقلابی و نویینی است که در مکتب انقلاب بزرگ اکتوبر و سوسیالیسم پرورش یافته است، واضح است که این قهرمانها مختص شوروم نیستند، اینها مربوط به تاریخ بشری و تمام جوامع انسانی هستند. من خوب می‌دانم که در ایران توده‌های مردم و انقلابیون چه مبارزاتی را انجام داده‌اند چه قهرمانیها که از خود نشان داده‌اند و این قهرمانیها چگونه هنرمندان بزرگ شما را متاثر کرده و آثار بزرگی را پدید آورده است. من از قهرمانی اعضای سازمان فدائیان "اکثریت" و اعضای حزب توده ایران اطلاع دارم و میدانم که هم اکنون چگونه تحت سخت ترین شرایط انقلابیون ایران مبارزه میکنند. این مبارزان بسیار شایسته احترامند. من سخن یکی از دانشمندان اروپا را بخاطر می‌آورم که میگفت "شما آن کسی شایستگی افتخار و آزادی را دارد که هر روز بخاطر آن رزمیده باشد."

من تراژدی ایران را در قلب خود احساس میکنم. تراژدی ملتی بزرگ که دچار حاکمیتی پست و ارتجاعی شده است. آثار بزرگترین اندیشمندان و هنرمندان و یادگارهای چند هزار ساله آن دستخوش آماج های تنگ نظرانسه میشود و جنگی بی حاصل و خانمان سوز که من به شدت از آن متنفرم درانجا جریان دارد. جنگی که سود آنرا امپریالیسم آمریکا می‌برد، جنگی که تا کنون صدها هزار انسان را با تمام آرزوهای خود بکام مرگ کشانده و میلیونها نفر را آواره و بی خانمان کرده است. جنگی که بر ملج جهانی لطبات جدی وارد میسازد و زمینه را برای ماجراجویی های بیشتر آمریکا فراهم میسازد. اما با تمام این مسائل و مشکلات من امیدوارم که یک روز در ایران آزاد و دموکراتیک از نزدیک با خوانندگان آثار خود آشنا شوم و از دیدن چهره های شاد و ششم بسرورد خوشحال گردم. من برای ایران "بهاران" را آنگ می‌کنم. ما در بهار ایران یکدیگر را دوباره خواهیم دید.

راهیان قتلگاه

طی ماههای اخیر رژیم خمینی تبلیغات جنسوان آمیز جنگ طلبانه و جنایتکارانه خود را با نحو چشمگیری گسترش داده و برای شهادت جدیدی آماده میشود. رستخانی بیشمارانه در خطبه های نماز جمعه ۱۵ آذرماه اظهار داشت: "بگذارید جنگ همیشه در جیب ما بماند... اگر این جنگ بیست سال هم طول بکشد درحمت الهی خواهد بود." و اضافه کرد که: "از شمالی ترین جبهه ها تا جنوبی ترین جبهه ها باید پرازمعنیت آماده حمله باشند."

باز دیگر برای فرونشاندن عرش دیوانه وار جنگ طلبی خمینی، آورا به خون هزاران جوان برومند میهن نیاز افتاده است. سران رژیم به منظور پرکردن جیبها با به تشدید فشار جهت بسیج نیرو دست زده اند. آنان می کوشند با تبلیغات گسترده و عوام فریبانه جوانان را فریب داده و این

سربازان علیه... بقیه از صفحه ۱
میدهند. دستجات سرکوبگر رژیم به مراکز تفریحی و ورزشی جوانان، سینماها، کلوبها و ورزشگاهها یورش می آورند به خانه های میزبانان، خیابانها را می بندند، جاده ها را قرق میکنند، اتوبوسها را با زرسی میکنند، به روستا ها شبخون میزنند تا جوانان را باדם اندازند. در بسیاری موارد، بویژه در روستا ها، خانواده ها مشولین را تحت فشار میگذارند، گروهان می گیرند، به زندان مینا فکنند و آنانرا برای کشف محل اختفای مشولین وحشانه می زندند.

درجبهه ها مقررات بسیار سنگینی بیسروای جلوگیری از فرار سربازان وضع شده است. اضافه خدمت و تنبیهات مختلف نظیر فرستادن سربازان فراری به عملیات خطرناک، قطع مزایا، ندادن مرخصی، تنبیهات بدنی و در بسیاری موارد اعدام وحشانه از آن جمله است. چندی پیش استاد اعدام ۲۰۰ سرباز فراری توسط خمینی جلال، منتشر شد.

اما علیرغم اقدامات جنایتکارانه رژیم، امتناع جوانان از شرکت درجبهه های جنگ روزافزون است. هرچه خصلت ارتجاعی جنگ بیشتر آشکار میشود و هرچه مبارزه توده های علیه آن گسترش می یابد رقم جوانانی که تن به خدمت سربازی و جنگیدن در راه مقاد ارتجاعی خمینی نمی دهند، با سرعت چشمگیری افزایش می یابد. در رژیم خمینی خدمت سربازی برابر است با کشته شدن درجبهه یا آسیب شدن به دست عراقی ها و یا معلول شدن و تبا هسی زندگی برای تمام عمر. جوانان حاضر نیستند به چنین سرنوشت شومی تن دهند. آنان با وجود فشارهای سنگین رژیم ترجیح میدهند، سربازی نروند، در این جنگ ارتجاعی که تشنه بسودا مپریسم لیستها و سرمایه داران غارتگراست، سهیم نشوند و لااقل جان خود را نجات دهند.

تشدید فشار و وضع پی درپی قوانین ارتجاعی نشا نگر در مادی رژیم در برابر تشدید مقاومت است. همزمان با گسترش مبارزه مردم سراسر کشور علیه جنگ، این مبارزه در درون جبهه ها نیز وسعت و شدت بیشتری مییابد.

درجبهه ها نیز سربازان ناراضی و مخالفت شدید خود را علیه جنگ و فرمانهای جنون آمیز حملات آبراز میدارند. آنان با شکل مختلف از شرکت در

بار بنام "راهیان کربلا" به جبهه ها بکشانند. نتیجه اینگونه طرحها، کشتار بیشتر جوانان ویرانی بیشتر کشور و انباشته شدن بیشتر جیبهای امپریالیستها و سرمایه داران است.

علیرغم فشارها و تبلیغات گسترده در روزنامهها را دیو تلویزیون و منابر و مساجد، اکثریت جوانان میهن ما تشنه ای جنون آمیز رژیم جنایتکار خمینی را با خشم و نفرت محکوم کرده و علیه آن بسیازه میکنند. آنها میگویند: بگذار این "رحمت الهی" شامل رفسنجانی ها و دیگر سران جنایتکار جمهوری اسلامی شود.

جوانان فدائی این تلاشهای ارتجاعی و جنایتکارانه را قاطعانه محکوم کرده و با گسترش مبارزه در راه صلح علیه آن با همه قوا مبارزه میکنند. جوانان فدائی از همه جوانان دمقوت میکنند که به جبهه ها نروند و مبارزه علیه این رژیم جنایتکار و جنگ ارتجاعی را با زهم بیشتر تشدید کنند.

جنگ امتناع می ورزند. جوانانی که مجبور به خدمت میشوند بویژه از خدمت در سپاه خودداری میکنند. فشارهای رژیم برای اجبار جوانان به گذراندن دوره خدمت در سپاه با مبارزات و اعتراضات گسترده و فرارهای دسته جمعی همراه است.

بسیاری از سربازان در همان نخستین روزهای خدمت می گریزند، برخی به هنگام مرخصی، جبهه ها را ترک می کنند و هرگز باز نمی گردند در جریان حملات سربازان تلاش میکنند به هر طریق ممکن ازجبهه برگریزند و یا جان خود را نجات دهند. در شرایطی هم که دیگر راهی نیابند، با زخمی کردن خود از شرکت در عملیات خودداری میکنند.

اینک میتوان گفت که تشدید فشار و تصویب پی درپی قوانین ارتجاعی چه چیزی جز در مادی رژیم در برابر تشدید مقاومت و مبارزه علیه جنگ نیست. مبارزهای که با شدت هر روز بیشتری در سراسر کشور گسترش مییابند.

بسیاری پایان دادن به این جنگ ارتجاعی نباید با تمام قوا علیه جنگ و خمینی جنگ افروز مبارزه کرد. جوانان فدائی باید پرچم مبارزه علیه جنگ را در میان جوانان کشور دلیرانه به دست گیرند. باید به هر طریق ممکن علیه جنگ افکاری و تبلیغ کنند و جوانان را در پیشبرد موشر این مبارزه هدایت نمایند.

باید همواره با همه قوا علیه تصویب و اجرای قوانین ارتجاعی و بویژه مقررات اخیر که برای کشتار جوانان تصویب شده است، مبارزه کرد و مردم و جوانان انقلابی را به اعتراض علیه این قوانین فاشیستی فرا خواند.

باید تبلیغات و شوطه های رژیم برای کشتادن جوانان و دانش آموزان به قتلگاه جنگ را، افشاء و خنثی نمود.

باید جوانان و بویژه مشولان و سربازان را با شکالی که میتوانند به تعویق خدمت سربازی، فرار از جبهه و تن ندادن به شرکت در جنگ دیوانه و ارضی شوق کرد.

باید با همبستگی همه جانبه با سربازان فراری فشار روانی رژیم و جوارعاب برای کشتادن جوانان به جبهه ها را درهم شکست. به صورتی که ممکن است آنان پشتیبانی مادی و معنوی نمود و مردم را به حمایت از سربازان فراری در برابر مزدوران دعوت کرد.

نگذارید جوانان را به قتلگاه جنگ ببرند

تیزبان
خبرها و گزارشها

● اخیراً در دانشگاه های تهریز و شیراز کلاسهای درس ازجا نیستند دانشجویان به مدت چندروز تحریم شد. دلیل تحریم کلاسها آن بود که عده ای آخوند به دانشگاه آمده و اقدام به خرابی نام اجباری دانشجویان در کلاسهای آموزش نظامی بسج مینمایند. دانشجویان نیز در اعتراض به این کار، از رفتن به کلاسهای درس خودداری کردند

"کمیتها نظمی" را دانشگاه تهران با تاخیر ۲ ماهه، تشکیل کرده است. از نخستین اقدامات این کمیته برای تکمیل انضباط در دانشگاه، صدور اعلامیه مبنی بر اجباری بودن منظمه برای تمام کارکنان و دانشجویان دختر است. در اعلامیه دیگر این کمیته جراثم دیگر و تشبیهات مربوط به آن اخراج تازندگان، اعلام شده است.

● با اعتراض و مبارزات دانشجویان اخراجی، اخیراً رژیم عده ای از آنان را که واحدهای محدودی برای اتمام تحصیلاتشان باقی مانده بود، به دانشگاه پذیرفته است. انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه اهواز با ورود این دانشجویان به دست و پا می افتد، شیانه به خوابگاهها مراجعه میکنند و از دانشجویان میخواهد که در اعتراض به این تصمیم در یک راهپیمایی شرکت کنند. این راهپیمایی مکتبی در عین حال مقابله با رئیس دانشگاه هم بود که از قبل با وی درگیری داشته. با وجود همه برنامها - ریزیها و تبلیغات انجمن اسلامی، در روز راهپیمایی، تنها ۲۰ نفر حاضر میشوند.

● در آغاز سال تحصیلی جاری آموزش و پرورش اعلام میکنندکه بدلیل کمبود بودجه، مجبور به اخراج معلمین حق التدریسی است. روز دهم مهرماه معلمین حق التدریس منطقه ۲ آموزش و پرورش تهران، پس از شنیدن این بختنامه، به اعتراض برخاسته و به راهپیمایی به سوی وزارت خانه می پردازند. در طول مسیر این راهپیمایی اعتراضی، آنان با حمایت چنانچه مردم روبرو میدهند. که می گفتند: "گولام است ماهم با شما می آئیم" پس از تظاهرات و شعار دادن در مقابل ساختمان آموزش و پرورش معاون

وزیر می آید و میگوید که ایشان نمیتند. معلمین خشکین به اعتراض خود ادامه می دهند. . . او دوبیبل های گشت سپاه نیز موفق به پراکندن آنها نمی شوند. بالاخره وزیر می پذیرد که بانها بیگانه این جمع مذاکره کنند. بعد کما کوش های بسیار با لایحه معلمین حق التدریسی این منطقه موفق می شوند تا بار دیگر مشغول بکار شوند.

● با گذشت چندماه از سال تحصیلی کمبود کتاب، میزونیگت فضای آموزشی و ابتدایی ترین امکانات رفاهی و بهداشتی در مدارس ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان در لرستان به اسفنا برتری شکل ممکن وجود دارد. در بسیاری از مدارس، هنوز معلم سرکلاس نرفته و یا مدرسه به علت کمبود فضای آموزشی به صورت ۳ شیفتی راه رهی شده. این مدارس برای هر نوبت فقط ۳ ساعت کلاس دارند، لذا دروسی مثل انشاء، ورزش و... از برنامها این دانش آموزان بکلی حذف شده است. تنها در شهر خرم آباد مناطق قریب ۱۰۰۰ دست کلاس ۷۰۰ نفر معلم برای کلاسهای موجود احتیاج است. با دآوری می کنیم که در مدارس راهنمایی روستایی لرستان، دختران را ثبت نام نمی کنند.

● مدیر هنرستان صنعتی پسرانه رسالت تهران واقع در خیابان ظالقیانی، که فردی مطلع، دانشجو و جدی بوده را برکناری کند و به جای او یکی از وابستگان ندبواه پاسداران که فردی ۲۱ ساله است را به کاردی گمارد. مدیر جدید اعلام می کند که همه دانش آموزان باید مواهاشان را با شما و ۴ اصلاح ۹ نفر از دانش آموزان را به شکلی تحقیرآمیز در محیط مدرسه کوتاه می کند. دانش آموزان در جریان این "عملیات" اعتراض کرده خواستار برکناری مدیر جدید و بازگشت مدیر سابق می شوند. مدیر جدید مجبور به عقب نشینی شده و به دفترش بازمی گردد، اما فردای آن روز چندین ماشین کمیتها به مدرسه می آیند، و اقدام به تهدید دانش آموزان می کنند، حتی ۲ نفر را که به شکلی آشکار مخترق بودند، تهدید به قتل می کنند. مدیر مدرسه هم با اسلحه به مدرسه می آیند، دانش آموزان با حفظ روحیه همبستگی با آنها درگیر نمی شوند. جلوی مدرسه زحام و راهپیمایی می شود. مدیر جدید که می بیند

فعالیت های مسلحانه اش شماری نداشته است، ز در سازش با معلمین در آمده و اعلام می کند که فعلاً لازم است مواهاشان کوتاه و مرتب باشد، در یکی از مدارس پسرانه واقع در میدان شهدا تهران - مدیر مدرسه در مقابل حکم تخلیه مدرسه ایستادگی می کند. مالک مدرسه به مقامات شکایت می کند و پیوسته با سایر برای دستگیری مدیر به مدرسه اعزام می شوند. دانش آموزان به دفاع از مدرسه برخاسته شروع به تظاهرات و شعار دادن می کنند و می گفتند که از دستگیری مدیر مدرسه در دفتر مدرسه بفرستند. پاسداران نیز به تازگی در مدرسه را ترک می کنند.

● در ادامه فعالیتها و افشاگرانه جوانان فدایی در خارج از کشور تظاهرات در شهر منچستر با سه دعوت جوانان فدایی خلق ایران (اکثریت) - بریتانیا برای اعتراض به اقدام فداییان اسیر ترتیب یافت. تظاهرات کنندگان فضای مقابل کنسولگری رژیم خمینی را با شعارهای کوبنده "مرگ بر خمینی جلاد"، "خمینی، خمینی، مرگ به نیرنگ تو"، "خون جوانان ما برکند" برگزار کردند. قطنانهای در برابر تظاهرات جوانان چنانکه راه رژیم خمینی قراشت گردید. ۲۴ اتحادیه سازمانها و انجمن دانشجویی در بریتانیا حمایت خود را از فداییان خلق اعلام نمودند.

● از سوی دبیر اول سازمان جوانان حزب کمونیست کارگری شده، پیام همذری بمناسبت شهدا در رفیق تابان به سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) داده شده و همچنین طی نامه ای به سفارت ایران، به اقدام رسمی الدین تابان و اعمال فشار علیه زندانیان سیاسی ایران اعتراض شده است.

● از سوی ۹ سازمان دانشجویی و جوانان کشورهای مختلف در هندوستان طی نامه ای از کنفرانس جوانان کشورهای غیر متعهد درخواست شده است که تلاشهای خود را برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق شدت بخشند، و رژیم خمینی را بخاطر سرکوب نیروهای میهن پرست شکنجه و اعدام غیر قانونی زندانیان سیاسی و سرکوبت فشار قرار دهند.



گسترده ترین مبارزات انقلابی دانشجویان و دانش آموزان

اعتراف خمینی...

زبونان دست به دامان " امت حزب الله " و " امام " می شوند. اکنون " امام " نیز با تاسف و درماندگی از شکست سخن می گوید.

تا کامی رژیم در تبدیل دانشگاهها به حوزه های علمی و در تحویف علم با خرافات و در سرکوب دانشجویان و تبدیل آنان به بازیچه های بی اراده در دست رژیم، هر روز که میگذرد بیشتر آشکار میشود. ضمیمه اهداف ارتجاعی رژیم با واقعیت پیشرفته موجود و مقاومت دانشجویان در برابر سرکوب و تحمیلات ارتجاعی جمهوری اسلامی، در برباد دادن آرزوهای خمینی نقش بزرگی برعهده داشته است.

اما " بدش کار " قطعا مانع ادامه تلاشهای جنایت آمیز رژیم خمینی برای تبدیل دانشگاهها به حوزه های پوسیده قرون وسطا نیست و سرکوب آزادی و آزاد اندیشی در دانشگاهها نیست. رژیم به خوبی به نقش دانشگاه در جامعه ما آگاه است.

اوبه همین دلیل به ایایدی اشوسدار میدهد که: " مسئله دانشگاه یک چیز فوق العاده است، یعنی افرادی که از دانشگاه فریبانند، ... یا روبه اسلامی برند کشور ما را و با منحرفش میکنند. این از چیزهایی است که از دانشگاه برمی آید." با توجه به همین چیزهایی که از دانشگاه برمی آید رژیم اسلامی علیرغم اعتراف به شکست یورش بربردمشانه به دانشگاهها، همچنان سیاست تشدید سرکوب مبارزات دانشجویان و به بند کشیدن دانشگاه تلائس میکند و خمینی که از انزوی ارتجاع در دانشگاه و گسترش مبارزات دانشجویان در هراس است، برای جبران شکستها، در سخنرانی خود فرمان تشدید اختناق و دیکتاتوری و سرکوب در دانشگاهها را صادر کرد و گفت: " دانشگاه را برپایه ی روش اسلامی الهی کشید، و اگفت: همیشه انسان باید تخصص باشد که نگذارد این سنگری که میتواند همه چیز را در دست کند و میشود که همه چیز را بهم بزند، یک وقت از دستتان از این سنگریز بشود، یک خلی دوش واقع بشود."

حسابی که دیکتاتور از آن سخن میگوید همان حسابست فغان شب پرست در برابر روشنائی است، حسابست به هروغرتوخی خواهی و قسریا دردمی است که در برابر تاریک اندیشی و مقاصد ارتجاعی و شوم آنان قرار میگردد. خمینی مزدورانش را بجهت ادامه اخراجها و تصفیه های گروه گروه و دسته دسته دانشجویان و استادان مترقی، به سرکوب کوچکترین نشانه آزادی و تشکل دانشجویان به بند کشیدن علم و اندیشه در چهارچوب خرافات و اهداف ارتجاعی رژیم به تبدیل دانشگاهها به مراکز درآمدت ستیزم و غارت و چپاول و جنگ فرامی خواند.

دانشجویان آگاه و مترقی و در پیمایش پیش آنان دانشجویان پیشگام در برابر این سیاست ارتجاعی می ایستند همانگونه که تاکنون ایستاده اند.

جنبش انقلابی توده ای که با مواج روزافزونی شتاب می گیرد و انزوی مردم بیشتر رژیم خمینی مکانات تازه ای را برای گسترش مبارزه دانشجویان علیه ارتجاع فراهم می آورد. امروز خمینی مجبور به اعتراف به شکست چهارم خونینی شده است که در اوج اقتدار خویش علیه دانشگاهها راه انداخته و رژیم و امروز ناتوان تر از آن است که بتواند دانشگاه را در چهارچوب افکار ارتجاعی خویش به بند کشد. اکنون در دانشگاههای کشور حز گروهی عناصر وارد و آورده، جاسوس و خود فروخته کسی پشتیبان خمینی نیست. نه فرمانها و دستورها دیکتاتور، نه هیچ سمنبار و گرد هم آبی، نه عناصر خود فروخته جمیع

معلمین حق التدریسی...

کلاسها در درام اقدام میکنند و با آنکه تا آخر سال بی معلم میگذارند. این که فرزندان مردم (بویژه زحمتکشان که پول برای استخدام معلم خصوصی ندارند) بی معلم باشند، برای مسئولین مهم نیست. بگذار بودجه مملکت به تنور جنگ ریخته شود تا " مکتب " صدمه نبیند، برای آنها " در اس همه امور، امر جنگ است."

سیاستهای ارتجاعی جمهوری اسلامی تنها در راستای تباهی آینده نوجوانان و جوانان ایران است. اما آنچه که مربوط به معلمین حق التدریسی است، باید گفت، اینها اکثرا جوانان دبیللمه زحمتکشی هستند که کاری پیدا نکرده اند، قصد و پارتی آنها هم نداشته اند تا در نهادهای ارتجاعی حکومت به نوازی برسد، لذا به معلمی روادیده اند محروم کردن آنها از تدریس به معنای بیگساری دراز مدت بسیاری از آنهاست. اکثریت آنها وقتی بهشتنامه ۳۰۰۰ را دیدند می پرسیدند که خرج زندگی ما را چکار کنیم؟

معلمین حق التدریسی سزاوارترین کسانی هستند که باید به استخدام رسمی آموزش و پرورش درآیند. زیرا هم احتیاج به کار دارند، هم به معلمی علاقمندند و هم در این چندسال تدریس صاحب تجربه شده اند. در این مورد هم که آنهاست از تخصص های ضرور برای تدریس برخوردار نباشند آموزش و پرورش موظف است که با ایجاد کلاسهای شبانه دانشسراهای تربیت معلم و استخدام آنها از تعطیلات تابستانی برای آنها دوره های فوق دیپلم و لیسانس ایجاد کند.

معلمین حق التدریسی هم چنان که با حفظ وحدت و با پیگیری در برابر آخراج و برای احقاق حقوق خود ایستادگی و مبارزه میکنند، باید برای استخدام دائم و ادامه تحصیل در حین کار نیز مبارزه شان را به پیش برند پیشانی هر چه یکبار چه تر دیگر معلمین و بیوند مبارزه معلمین حق التدریسی با مبارزه دانش آموزان و خانواده هایشان سردمداران جمهوری اسلامی را تاگزیر به پاسخگویی به خواسته های آنان خواهد ساخت.

رژیم خمینی...

میلیونها جوان میهن ما راتباه کرده است. جوانان نمی توانند جز چنین زندگی خفت بار و تیره های تن دهند. گریز بزرگ جوانان به کشورهای غربی از همین واقعیت ناشی می شود.

اما مهاجرت جز برای گروه معدودی از فرزندان سرمایه داران و ثروتمندان، آغاز یک بدبختی تازه است. در بدمی، آوارگی و فقر و نداری، تحقیر و توهین، دوری از خانواده و میهن در انتظار این جوانان است. جوانانی که در یک رژیم مملسی و دموکراتیک می توانند به سرمایه های گرانقدری برای سازندگی و پیشرفت کشور یدل شوند، بدست رژیم سر تا پا ارتجاعی و فاسد جمهوری اسلامی به آوارگی و تباهی کشیده می شوند.

شده در انجمن های اسلامی ونه پاسداران سرکوبگر و اسلحه بدست قادر به عملی ساختن رویسای ارتجاعی و نفرت انگیز خمینی، که علیه منافع تمامی مردم ایران است، نخواهد بود.

دانشجویان مبارزه خود را برای درهم شکستن سد اختناق و دیکتاتوری در دانشگاهها و برچیدن بساط دستجات جاسوس و سرکوب رژیم با کامیابی پیروزماندی به پیش میبرند.

بیام کمیته مرکزی سازمان دمکراتیک جوانان افغانستان به کمیته مرکزی سازمان جوانان فدایی خلق ایران (اکثریت)

اعتراف خمینی به شکست انقلاب فرهنگی

بمعنا سبب شهادت رفیق رهائی فدایی جوانان تا با ن بیامی از جانب کمیته مرکزی سازمان دمکراتیک جوانان افغانستان (افغانستان به سازمان جوانان فدایی خلق ایران) (اکثریت) داده شده است که در اینجا بخشهایی از آن آورده می شود:

کمیته مرکزی س. د. ج. ا. ا. از نام جوانان افغانستان بدینوسیله مراتب تا شرات ممیق خویش را بفاطسره فقدان رفیق رهائی فدایی تا ب به سازمان جوانان فدایی خلق ایران (اکثریت) اعلام میدارد.

اعمال دهنده نشان نه رژیم جمهوری اسلامی علییه نیروهای مترقی، زمانی سازمان ندهی شده که رژیم سیه کاروسیه دل خمینی، مداخلات بیشرمانه و وسیع را علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان برآه نداخته است، درامورکشورمان رزیلانیه مداخله مینماید و جنگ بسی مفهوم را که بر ضد منافع خلقهای ایران و عراق است ادا نمیدهند.

جوانان افغانستان معتقدانده که چنین جنایات ازسوی رژیم جمهوری اسلامی ایران نتوانسته و نخواهد توانست مانع مبارزات عادلانه شما در راه سعادت و خوشبختی مردم ایران گردد. جمهوری اسلامی ایران با چنین اعمال وحشیانه خویش نمیتواند اندیشه را یکشودیه رنجیر کند. پیروزی از نیروهای مترقی و متحدان ایران است.

حکام جنایتکار رژیم در آخرین سمیناری که در آذرماه، بنام سمینار بررسی ایجاد گسترش و شمیم انقلاب فرهنگی اسلام، پیرامون وضعیت دانشگاهها برگزار کردند، به چاره جوئی در جهت جلوگیری از روند روبه گسترش انزوای ارتجاع و تشدید اختناق و سرکوب در دانشگاهها پرداختند. مزدوران شرکت کننده در این سمینار پس از پایان گردهمایی شان به حضور خمینی جلال رسیدند تا آخرین فرمانهای او را بشنوند و در دانشگاهها بکار بندند. خمینی در سخنان خود آشکارا به شکست پیروز ارتجاعی به دانشگاه اعتراف کرده و گفت: " شما میخواستید یک کار خوبی بکنید نشده است و کار بد شده است. اما شما میخواستید خوب انجام بدهید این معنا را! (اطلاعات ۲۰ آذر)

این واقعیت که خمینی علیرغم میل خود بنا تلخی آثار بر زبان میآورد، خود بیانگر پیروزی بزرگ دانشجویان و استادان مترقی بر ارتجاع است. از یکسال گذشته تا کنون مسئله شکست نه جسم ارتجاعی به دانشگاهها در زوره و فغان های گوناگونش از یادی رژیم و بویژه انجمن های اسلامی بگوش می خورد. مزدوران رژیم در سمینار رهبری و گردهمایی های متعدد به این واقعیت اعتراف کرده یک دیگر را مستجابین وضعیت معرفی کرده و بقیه در صفحه ۱۱

رژیم خمینی عامل آزارگی جوانان

روزنامه "حریت" چاپ ترکیه، اطلاع داده است که تنها در یک ماه یعنی اکثر سال ۸۵ میلادی ۹۴ ایرانی از ستم جمهوری اسلامی به ترکیه گریخته اند. یعنی از ۶۶۰ تن از این عده جوانان بین ۱۷ تا ۲۳ سال بوده اند. این گزارش تکان دهنده روزنامه فوق، تنها نشانگر گوشه کوچکی از فرار جوانان از جهنم جمهوری اسلامی است. هر سال هزاران تن از جوانان میهن ما از مرزهای ترکیه پاکستان و آبهای خلیج فارس از کشور میگریزند. برخلاف تبلیغات کینه توزانه رژیم همه، این جوانان فرزندان اقشار مرفه و شرومند جامعه نیستند. بخش قابل توجهی از آنها بخاطر امتناع از سربازی که با کشته شدن در جنگ ارتجاعی همسراه است برای تحصیل یا گریز از قید و بند های ارتجاعی، تعقیب و سرکوب و زندگی هشت باری که جمهوری اسلامی برای جوانان میهن ما شاد کرده است، یا هزاران مشکل پولی فراهم کرده و راهی دیار غربت میشوند. مقصر اصلی فرار جوانان رژیم نیکبار و خون آشام خمینی است. این رژیم با ادا به جنگ و گشتار جوانان، با محروم نگاه داشتن میلیونها جوان از امکان تحصیل و آموزشها بیستهای عده مردمی که به بیگاری صدها هزار جوان انجام میدهد، با تحصیل سیاستهای ارتجاعی بر زندگی جوانان، سرکوب و حشیانه همه گونه خواستها و علایق و حتی جلوگیری از تفریح و شادی و ورزش و سرانجام با دستگیری و شکنجه و تیرباران آنان و در یک کلام با تبدیل ایران به زندان جوانان، زندگی امروز و آینده بقیه در صفحه ۱۱

معلمین حق التدریسی باید استخدام شوند!

از آغاز سال تحصیلی جاری وزارت آموزش و پرورش با صدور بخشنامه ۱۳۰۰۰ اعلام کرده است: "به دلیل کمبود بودجه، معلمین حق التدریسی (بخش معلمین امور تربیتی)، اخراج میشوند، به دنبال این بخشنامه، ابلاغ کار برای هیچ یک از معلمین حق التدریس ابتدائی، راهنمایی و دبیرستان صادر نگردید. عدهای از آنان اخراج شدند. اسامی عدهای دیگر با مبارزه و پیگیری حقوق شان تا کنون توانسته اند به تدریس ادامه دهند. حرکت اعتراضی معلمین حق التدریسی منطقه ۱۲ آموزش و پرورش تهران، بار دیگر نتیجه پیروزمند حرکت متحد معلمین را ثابت رسانید.

بخشنامه اخراج معلمین گروههای آشکار سیاست ارتجاعی و ویرانگر رژیم خمینی علیه آموزش و پرورش کشور را ظاهر میسازد. چرا که بنا بر اعتراف وزیر آموزش و پرورش "کلاسهای موجود مدارس با کمبود ۲۰ هزار معلم ۱۵۰ هزار دبیر و نیرو هستند" پس دلیل اخراج حق التدریسیها، این نیست که معلم اضافی دارند، برعکس با اخراج آنان مسئله کمبود معلم شکل حادثی بخود میگردد. بی گمان مسئولین آموزش و پرورش به شیوه مکتبی، چاره اندیشی خواهند کرد. یعنی اینکه بقیه در صفحه ۱۱

آدرس: P1-10
1001 WIEN
AUSTRIA
اتریش

گرامی باد هفتمین سالگرد انقلاب شکوهمند بهمن!